

وحدت اسلامي به مثابه هم زیستی مسالمت امیز

وحدت اسلامي به مثابه هم زیستی مسالمت امیز

أ. علي رضا جانباز[1] / ایران

درگذشته پر تلاطم تاریخی اسلام ، تفرقه بین مذاهب و ملل اسلامی، از مسائل بغرنج و ناراحت کننده جوامع اسلامی بوده و هست و خسارتها و لطمات مادی و معنوی جبران ناپذیری برپیکر امت اسلامی وارد ساخته و این زخم خونین در چهره زیبای امت اسلامی روز به روز عمیقتر میشود و بیم آن میرود که حیات امت اسلامی نیز به چالش کشیده شود.

متأسفانه دیگر ندای وحدت کمتر شنیده میشود و وحدت اسلامی به رویایی بدل گشته که کمتر امیدی به تعبیر آن وجود دارد . در مقاطع مختلف تاریخ مصلحانی درصدد برآمدند تا منادی وحدت امت اسلامی و التیام بخش این درد باشند ولی حرکت‌های مقطعی مصلحان ، کمتر نتیجه ای در برداشته و منجر به معرفت و حرکتی وحدت بخش نشده است .

شاید آخرین این تلاش‌ها سی کنفرانس وحدت اسلامی باشد که در سی سال گذشته توسط جمهوری اسلامی ایران برگزار گردیده ولی متأسفانه به دلایلی که خارج از موضوع این مقاله است نتایج مطلوبی از این سلسله کنفرانسها بدست نیامده است که یکی از دلایل آن عدم وجود دغدغه و فهم اهمیت موضوع در سایر دولتهای اسلامی است و ندای یک سویه ایران تاکنون پاسخی در خور نیافته است .

دنیاي اسلام امروزه درگیر جنگ‌های خونینی است.

امروزه ابتدای ترین حقوق انسانی در دنیای اسلام و توسط مسلمانان و به نام اسلام نقض میشود و بی شک سهم عمده این قصور و تقصیر برعهده عالمان دینی است.

هرچند با اندکی تامل میتوان این نکته را دریافت که منفعت این وضعیت برای دنیای غرب است و خسارت آن متوجه اسلام و مسلمین و سرزمینهای اسلامی است و نیز سابقه توطئه ها و دخالتها و استعمار و استکبار ، نشان دهنده نقش پنهان و آشکار غربیان در این فجایع است ، ولی این جهت را نیز نباید از نظر پنهان داشت که دنیای اسلام واجد این شکاف و اختلاف بوده و هست و کمتر تلاش در خوری برای کاهش تنش اعتقادی و مذهبی صورت پذیرفته است ، و اگر هم تلاشی صورت گرفته ، حرکتی را ایجاد نکرده و جنبشی را بر نیانگیخته و در نتیجه معرفتی فراگیر ایجاد نشده است.

و باز بی شک مقصر این وضعیت عالمان دینی هستند .

چه آنها که فتوای قتل و غارت صادر میکنند ، چه آنها که مسلمانان را تکفیر میکنند و خارج از دین میخوانند ، چه آنها که با سکوتشان این وضعیت را تایید میکنند و چه آنها که اقدامی جهت اصلاح این وضعیت نمی کنند ، همه مقصرند و این سنت الهی است که همه با هم کیفر شوند و چه کیفری بالاتر از این وضعیت جهان اسلام .

چه کیفری بالاتر از بیش از دو میلیون کشته و زخمی ناشی از جنگ و عملیات های انتحاری در دنیای اسلام .

چه کیفری بالاتر از بیش از 10 میلیون آواره در جنگهای جهان اسلام .

و چه کیفر و تحقیری بالاتر از اینکه در صفحه فیس بوک صدر اعظم المان درج شود : «در آینده به کودکان مان خواهیم گفت که آوارگان سوریه به ما پناه آوردند در حالی که به مکه و سرزمینهای اسلامی نزدیکتر بودند!!!» (1 و 2)

در وضعیت موجود جهان اسلام که هر روزه شاهد کشتار مسلمانان توسط مسلمانان هستیم ، سخن گفتن از وحدت تام و حداکثری سخنی واقع گرایانه نیست و به نظر میرسد امروزه حتی احیا و اجرای دستاوردهای «دارالتقریب بین المذاهبالاسلامیه» مصر نیز از روی دست نیافتنی باشد.

امروزه ناگزیریم ، معنایی کمتر و بلکه کمترین معنای وحدت را مراد و هدف دنیای اسلام قرار دهیم و ان «وحدت به مثابه هم زیستی مسالمت امیز است».

متأسفانه امروز از ارمانهای اولیه وحدت و تقریب بسیار فاصله گرفته ایم و روز به روز بر این فاصله افزوده میشود.

شاید در این زمان تنها باید به عالمان دینی فهماند که مال و جان و ابروی مسلمان حرمت دارد .

و همه حق حیات دارند و هیچگاه اسلام این حق را به هیچ کسی نداده که ابتدایی ترین حق انسانی که حق حیات است سلب شود.

و تحقق این حداقل نیز به یک تحول معرفتی در فهم برخی از مفاهیم دینی نیاز دارد .

ادامه دارد.....

پی نوشت :

1-<http://anti-shayee.blogfa.com/post/90>

2-"We will tell our children that Syrian migrants fled their country to come to Europe when Mecca and Muslim lands were closer to them."

[1] - رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قاهره.